

2880

گزارش از راه مصحح ۵

زن

● نماینده نیشابور در مجلس:

به دلیل داشتن روحیه عاطفی

زمینه فساد در زنان بیشتر است!

● آنچه بر فیلم دایره گذشت

سال نهم ● شهریور ۷۹ ● ۸۴ صفحه ● ۴۰۰ تومان

طرحی از ۶۷

زن ایرانی

در برزخ

سنت و

مدرنیته



رنگ آزاد شد اما...

گزارشی از سرنوشت
رنگ روپوش مدارس

نام اصلی‌اش نائل سلطانی است. به سال ۱۳۰۰ خورشیدی در اصفهان به دنیا آمد. تحصیلات متوسطه را در زادگاهش به پایان برد. سپس به تهران آمد و در دانشگاه تهران درس خواند؛ زبان و ادبیات فارسی، کارمند بانک ملی ایران شد. ابتدا در اصفهان، سپس در تهران و تبریز، همسرش، شمس‌الدین بدیع‌السر نیروی هوایی (سپس محقق و مترجم در زمینه علوم اقتصادی و اجتماعی و ادبی) بود. پس از غائله آذربایجان (شکست فرقه دموکرات و سید جمفر پیشه‌وری) همراه همسرش به اتحاد شوروی سابق گریختند. چند سالی در باکو و پس از آن در مسکو زیست. در این دو شهر، ترکی و روسی آموخت. و تحصیلات دانشگاهی‌اش را پی گرفت. رساله‌ها و مقاله‌هایی در موضوع ادبیات مشروطه و معاصر، از جمله درباره زندگی و آثار عارف قزوینی، ملک‌الشعراء بهار و نیما یوشیج نوشت. به ترجمه آثار ادبی هم توجه نشان داد. از جمله نسخه‌های ایرانی، سروده سرگئی یسینین، شاعر نامور روس. ژاله اصفهانی شعر گمشده را از نوجوانی آغاز کرد. به قصیده و غزل پرداخت. در دهه ۱۳۲۰ به شعر نوکلاسیک و نوآوری آورد. پس از مهاجرت بیرون، نشر سروده‌هایش ادامه یافت. دفترها و منتخب‌های اشعار وی از این قرار است: گل‌های خودرو (تهران، ۱۳۳۴)، زنده‌رود (مسکو، ۱۳۴۴/۱۹۶۵)، کشتی کبود (دوشنبه، ۱۳۵۷/۱۹۷۸)، نقش جهان (مسکو، ۱۳۵۹/۱۹۸۱)، اگر هزار نظم داشتیم (تهران، ۱۳۶۰)، البرز بر شکست لندن (لندن، ۱۳۶۲)، ای باد شرمه لندن (۱۳۶۵)، غرور خاموشی (استکهلم، ۱۳۷۲)، سرود جنگل لندن (لندن، ۱۳۷۴)، ترم پرواز لندن (لندن، ۱۳۷۵)، موج در موج (تهران، ۱۳۷۶). ژاله اصفهانی اندکی فراتر از ۳۰ سال در اتحاد شوروی پیشین زیست. پس از انقلاب به ایران آمد. مدت کوتاهی در میهن به سر برد. سپس به انگلیس رفت. اکنون سال هاست که در این کشور زندگی می‌کند. همراه همسر و فرزندانش.



شعر زنان معاصر (۳)

در بهار انتظار

تحلیلی از سروده‌های ژاله اصفهانی

● کامیار عابدی

آنها را در بیشتر سروده‌ها می‌توان به دید آورد. اما گویی در مسیر ذهن به زبان، تندى‌ها و حس‌های ذهنی و کلامی قیدوبندهایی را بر خود می‌پذیرد. شاید از آن‌رو که شاعر، سوئے چهره خویش را، به‌گسترده‌گی، به جهان‌وطنی آرمانی دهه‌های ۱۹۴۰ - ۱۹۸۰ معطوف کرده است. از این‌رو قلمرو شوریدگی‌های شاعرانه به اقلیم واقع‌گرایی‌های در دسترس هدایت و تعریف می‌شود. این ویژگی، گاه دامنه‌ای تا مرز ادبیات رئالیسم سوسیالیستی می‌یابد. دامنه‌ای که یک شاعر پیش‌آهنگ دوره واپسین قاجار، ابوالقاسم لاهوتی (۱۲۶۴ - ۱۳۳۶)، پیش‌تر به آزمون و تجربه گذاشته بود:

پرنده‌گان مهاجر در این غروب خموش
که ابر تیره تن انداخته به قلّه کوه
شما شتاب‌زده راهی کجا هستید
کشیده پر به افق، تک‌تک و گروه‌گروه

چه شد که روی نمودید بر دیار دگر؟
چه شد که از چمن آشنا سفر کردید
مگر چه درد و شکنجی در آشیان دیدید،
که عزم دشت و دمن‌های دورتر کردید
(زنده رود، ۸۱)

اما نکته اینجاست که فراق و دوری از وطن، به دلیل‌هایی چند، وسعت دلخواه را نمی‌یابند. حضور

از شعرهای آغازین شاعر، در نوجوانی و جوانی که بگذریم، در مجموع سروده‌های وی را باید در نسبت میان گوینده و دوری از میهن مورد توجه قرار داد. درخ‌ها و یادهایی که در شعر ژاله چهره می‌بندد، تقدیر بزرگ سراینده را آشکار می‌کند: راز و نیاز با ایران، ایران جنگل‌ها و کوه‌ها و رودها و دره‌ها. با این چشم‌انداز، دو تأمل به کلمه‌ها و سطرها راه می‌یابد. یکی آن‌که این ایران در مهی از خیال و رؤیا و نیکی و زیبایی و دل‌انگیزی قرار گرفته. دیگر این‌که تکیه بر آرزوها و خیال‌پردازی‌ها، شعر شاعر زنده‌رود را به گستره ادب رمانتیک می‌رساند:

شاد بودن هنر است
 شاد کردن هنری والاتر
 لیک هرگز نپسندیم به خویش
 که چو یک شکلک بی جان شب و روز
 بی خبر از همه خندان باشیم
 بی غمی عیب بزرگی است که دور از ما باد
 (کشتی کبود، ۷)

و یا سروده‌ای که به استاد لاهوتی پیشکش شده است:

به بی‌قراری جاوید آب‌های روان
 به جهد روشن جان‌های بی‌قرار درود
 گذشتن از ره هموار کار آسانی است
 چون نوشخند در آن دم که بخت می‌خندد
 خوشا چو آب روان، ره گشادن و رفتن
 ز روی سنگ حوادث که راه می‌بندد
 رها شدن ز بلا
 دیگران رهانیدن
 نهفته است در این نکته راز بود و نبود
 به بی‌قراری جاوید جان لاهوتی
 به جهد روشن آن مرد پایدار درود
 (کشتی کبود، ۷۰)

به لحاظ نوع و شیوه بیان عواطف، سروده‌های
 آله به شعرهای شاعری چون فریدون مشیری
 (متولد ۱۳۰۵) بسیار نزدیک است. هرچند، گاه به
 شباهت‌هایی با ذهن و زبان نادر نادرپور (۱۳۰۸ -
 ۱۳۷۱) هم می‌رسد. اما تصور غیرادبیانه رها از
 شعری که در محور خویش به میزبان ادبی دل
 بسته است، او را به مشیری شبیه‌تر می‌کند. به رغم
 ازتاب‌ها یا استقبال‌هایی که نسبت به شعر شاعران
 نوگرا (نیما، کسرابی، نادرپور، فرخزاد و مانند آنها)
 به میان می‌آید، از نظر زبان، کاستی‌ها و ضعف‌های
 شعر شاعر نقش جهان دشوارترین مانع در پیوند او
 با شعر جدید ایران است. به نظر می‌آید که تلقی
 شاعر از شعر نیمایی، به یک تعبیر مشهور، تنها به
 کوتاه و بلند کردن سطرها منحصر می‌شود. یعنی
 شکل‌گونه‌گون دگرگونی‌های صورت و شکل و
 معنا به شعرها راه نمی‌یابد:

گهی حس می‌کنم رنگین‌کمان روی دریایم
 که هرچه رنگ زیبا هست
 در من هست
 درحالی‌که یک رنگم
 گهی چون لاله سیراب صحرایم
 گهی خارم
 گهی سنگم
 (اگر هزار قلم داشتم، ۸۲)

این جهت، حاصل کار گوینده در پیوند یافتن با
 هر نو غالباً به توفیق نمی‌انجامد. پراکندگی

صورت‌ها و گفتارهای شاعرانه یک وجه از این
 حاصل کار را شکل می‌دهد. نزدیک شدن به بحر
 طویل، وجه دیگر را:

من قناری نیستم تا در چمن خوانم ترانه
 از چه می‌خواهی ز من شعر لطیف عاشفانه؟
 واژه می‌سوزد ز شعرم
 من سرود خشمناک عاصیانم
 آتشم آتشفشانم

(موج در موج، ۱۲۱)

تکاپوهای زبانی در جهت تکامل شکل و
 صورت شعر چندان محسوس نیست. شاید از آن‌رو
 که شاعر، با دیدگاهی نوکلاسیک، از منظری ثابت
 می‌کوشد تا در شعر نیمایی گام‌هایی بردارد. اما
 تنها هنگامی که با میدان دادن به عاطفه زنانه -
 مادرانه خویش در لایه‌های نوکلاسیک به قلمرو
 کلمه‌ها می‌رسد، پذیرفتنی جلوه می‌کند. و حتی نه
 در سروده‌هایی که مانند شعرهای فارسی دهه‌های
 نخستین سده بیستم (در مثل مانند آثار
 محمدرضا میرزاده عشقی، ۱۲۷۲ - ۱۳۰۳) به
 شکل‌های نمایشی پرداخته می‌شود:

نوبهار است و نوبهاران است
 آفتاب است و گاه باران است
 دور و نزدیک هر طرف نگری
 کوهسار است و کوهساران است

خواب شیرین ز سر بنه فرهاد
 که در افسانه کوهکن بودی
 کاین زمان کوهکن فراوان است
 خیز و بنگر چگونه این دوران
 عصر اعجاز قهرمانان است
 (کشتی کبود، ۱۹ - ۲۰)

با این حال، بی‌تردید در تعدادی از سروده‌ها
 بارقه‌هایی از توفیق انسجام زبان و صورت شاعرانه را
 آشکار می‌یابیم:

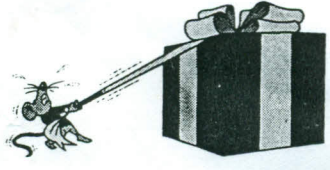
گیاه وحشی کوهم، نه لاله گل‌دان
 مرا به بزم خوشی‌های خودسرانه مبر
 به سردی خشن سنگ، خوگرفته دلم
 مرا به خانه مبر
 زادگاه من کوه است

(موج در موج، ۱۵۲)

شعر ژاله اصفهانی در میانه دل‌تنگی‌هایی که
 احساساتش بر حس شاعرانه پیشی می‌گیرد، به
 انتظار می‌ماند. در بهاری از انتظار. بهاری که گویی
 هرگز از راه نمی‌رسد. هر چند، در قلمرو
 جهان‌نگری ساده شاعر، گوهر امید و تلاش هرگز از
 کف روده نمی‌شود. ■

هدیه‌ای فراموش نشدنی توسط
 بزرگان فوتبال تقدیم به دوستداران
 پرسپولیس و استقلال
 عرضه مستقیم روسری‌های
 ایتالیایی و ترکیه‌ای

به مناسبت میلاد باسعادت حضرت
 علی (ع) سکه بهار آزادی و دهها جوایز
 ارزنده دیگر با خرید یک روسری در این
 جشن بزرگ شرکت و جایزه بگیرید.



قابل توجه شهرستانها و تهران - با ارسال
 مبلغ ۳۰۰۰۰ ریال توسط پست مالی به
 آدرس ذیل یک روسری ایتالیایی و
 کارت قرعه‌کشی دریافت کنید.
 ۰۹۱۱۲۳۰۲۴۴۹ - ۸۷۵۳۴۴۲۲ - ۸۷۵۳۴۴۸۹
 خیابان دکتر بهشتی (عباس آباد)، بعد از
 میدان تختی، نبش خیابان آهنچی،
 بازار روز خرمشهر (خانواده)

سردیس خان‌ساز شرکت نرگس زمان (کهنه) تهران
 صندوق پستی - ۵۰۹۳
 کد پستی - ۱۵۸۷۵
 تلفن ۸۸۴۰۶۷۹
 ۰۰۹۸۲۱ - ۸۸۴۰۶۷۸
 FAX ۸۸۴۰۶۷۹